

جلد اول • بخش دوم

انجمن نگهبانان

مجموعه
انجمن نگهبانان

چارلی فلچر
سمانه افشار حاتم

فصل چهل و یک

از میان گذشته

آهنگر گفت: «من نمی‌دونم مونت‌فلونِ اهل چاندس پلیس کیه. اما خودش و خونه‌ش در برابر قدرت‌های فراطبیعی محافظت شدن، به همین خاطر احتمال می‌دیم بیشتر از یه آشنایی ساده در مورد ما اطلاعات داشته باشه. تمپل بین اسمیه که انجمن نگهبان‌ها پیش از این باهاش مواجه شده.» روی آتش تف کرد. «تمپل‌بین‌ها تو منطقه‌ی لشاب ساحره‌یاب بودن.»

هاج، آقای چابک، آشپز و سارا به صورت نیم‌حلقه جلوی شومینه‌ی وسط کتابخانه‌ی سرخ نشسته بودند. هاج ابرو در هم کشیده و به‌وضوح پریشان بود، دستی که روی سر جد کنار زانوی خودش گذاشته بود از یک حس سرکوب شده می‌لرزید و همه متوجهش شده بودند اما سعی داشتند اشاره‌ای به آن نکنند. امت در سکوت تکه‌های شیشه‌ی آینه را از کابینت مورانو جمع می‌کرد و روی میزی که از کتاب‌ها و باقی دست‌نوشته‌ها خالی شده بود دوباره مرتب می‌کرد و می‌چید.

سارا از همه به آتش نزدیک‌تر بود اما به نظر یخ‌زده می‌رسید، صورتش به رنگ سبزی درآمده بود که تنها چند درجه از چشمانش روشن‌تر بود؛ و از لرزش‌هایی که گهگاه بدنش را به حرکت درمی‌آورد کاملاً مشخص بود پتویی که آشپز دورش انداخته جز پنهان کردن گنده‌ی انتهای بازویش تأثیری ندارد.